

عصری سازی سیره پژوهی؛ نگاهی به الزامات

سیره پژوهی به معنای کند و کاو زندگی پیشوایان معصوم علیهم السلام برای یافتن و ارائه الگوی برتر زندگی، از دیرباز دغدغه ذهنی شیعیان بوده است، آنها در مواقع بسیاری با این پرسش روبرو بوده اند که آیا همه آنچه از پیشوایان معصوم علیهم السلام یاد می شود، شایسته پیروی همگان در همه ادوار است؟ آنچه امروزه سیره پژوهی را با چالش جدی مواجه ساخته، ضرورت های جهان کنونی و انسان های امروزی است که در اثر تحولات تاریخی و پیشرفت های چشمگیر عملاً نوع نگاه آدمیان نسبت به همه چیز، به ویژه امور مربوط به مسائل فراتجربی، بلکه فراعقلی دگرگون شده است.

نسل امروزین، خصوصاً آنان که دارای مدرک دانشگاهی اند، با ویژگی هایی نمایانده می شوند که داد و ستد با آنان بدون توجه به آن خصوصیات، ابتر و ناکارآمد خواهد شد. در این میان سه شاخصه مهم خودمحقق پنداری (انسان محق در برابر انسان مکلف)، توانمندی های عقلانی که تا مرز خودبسندگی او را پیش رانده و نیز قدرت علمی که به ظاهر او را بر طبیعت و هستی مسلط کرده است، موجب شده تا در مقابل هرگونه دستور، توصیه و حتی پیشنهادی ایستادگی کرده و خود را بی نیاز از آن بشناسد و نیز به وی جرأت بخشیده تا فراتر از رویکردهای انتقادی نسبت به مقوله هایی چون سیره و سیره پژوهی که کم و بیش در همه دوره ها وجود داشته، به رد و انکار آن پرداخته و سیره را برای زندگی خویش غیرکاربردی و ناکارآمد شناسایی کند.

انسان امروز، دلباخته سبک، منطقی و الگویی است که به گمان وی، می تواند او را در عرصه رقابت سودآورانه با دیگران موفق ساخته و هم چنین مجهزترین زندگی را که به زعمش بهترین آن است، برایش فراهم کند. به همین سبب بسیاری از عناصر دینی و نیز فلسفی را مطلوب و حتی مفید ندانسته و در نهایت متعلق به گذشته و انسان سنتی می داند و طبعاً فاصله گرفتن از آنها را نشان به روزبودگی خود می پندارد، رویکردی که دغدغه مندان حوزه دیانت را به کلنجار و امی دارد تا برای آن اندیشه ای کنند. بی هیچ شکی غفلت یا تعافل از این رویکرد هزینه های زیادی برای آنها به دنبال خواهد داشت.

سیره پژوهی که بی تردید فایده های زیادی دارد، با دو شرط می تواند هم چنان در صحنه رقابت امروزین

حضور خویش را تضمین نماید؛ اول آن که معطوف به نیازهای زمانه و درخور قامت امروزیان ظاهر شود و به بیان دیگر با شناسایی نیازهای زمانه و خالی‌گاه‌های فکر و نظریه وارد عمل شود و به جای عرضه درهم و داستان‌واره زندگی پیشوایان، به دست‌چین موارد لازم روی کند و بر آن چیزهایی تکیه و تأکید کند که می‌تواند متناسب با نیاز امروزیان، پرسشی را پاسخ گوید و دردی را درمان نماید. دو دیگر آنکه حوزه کارکردی یا مأموریتی سیره به درستی شناسایی و در همان محدوده عرضه شود. بدیهی است سیره به عنوان راه‌شناخت حقیقتِ دینت، کارکردی دینی می‌یابد و این پرسشی بنیادین است که از دین چه انتظاری باید داشت و اساساً دین برای گشودن چه گره‌هایی وارد عمل می‌شود؟ هر پاسخی که برای این سؤال داده شد، سیره نیز در همان راستا قرار گیرد. اگر میدان گسترده‌ای برای حضور و نقش سیره در نظر گرفته شود، عملاً سطح چالش‌ها بالاتر از آنچه در آغاز بیان گردید، می‌رود، چون دامنه حضور و فعالیت مختارانه انسان را محدود می‌سازد و این با نوع نگاه انسان امروزی به خویشتن چندان سازگاری نخواهد داشت. به همین دلیل حتی اگر برخی معتقد به نقش حداکثری حضور دینت هم باشند، برای ضمانت بقای آن چاره‌ای جز تعیین حد و مرز حضور آن ندارند. در پرداخت سیره، توجه به این نکته اهمیت دارد.

بشر امروز که به دنبال دستاوردهای علمی و پیشرفت‌های فناورانه و نیز اتکاء بر داشته‌ها یا یافته‌های خویش، خواسته و ناخواسته دچار بحران‌های گوناگون شده، بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش و الگوهای اخلاقی است تا بتواند زندگی خویش را بر مبنای آن سامان‌دهی کرده و تمدنی را شکل دهد که امکان زندگی انسانی، برابره و شایسته برای همگان میسر باشد، از این رو سیره‌پژوهی فرصتی طلایی یافته تا در این میدان نقش آفرینی کند، اما با درنظرداشت آنچه در پیش بیان گردید و الانمی‌تواند توفیقی حاصل کند.

این شماره از مجله که با همکاری همایش بین‌المللی حضرت ابوطالب، حامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکل گرفته، با رویکرد بیان شده پیش‌رفته و کوشیده تا بخشی از زندگی یکی از شخصیت‌های بزرگ اسلامی را که در حیات نبوی نقشی برجسته ایفا کرده بود و طبعاً در شناخت دقیق‌تر آن حضرت کارآمدی مشهودی دارد، به بررسی بگیرد و زوایایی از حضور دینی وی را برنماید. پاس داشت تلاش همگان را تأسی از سیره دانسته و از خدای بزرگ توفیق روزافزونشان را طلب می‌کنیم.